

## متن پیاده سازی شده

بسم الله الرحمن الرحيم

نقل کلام اخباری ها در حجیت قطع بر طبق نقل مرحوم شیخ انصاری

کلام صاحب حدائق

صاحب حدائق گوید من اخباری معتدل هستم. اخباری ها کتاب اصولی ندارند و با کتب اصولی ها مخالفند و صاحب حدائق با همه اعتدالش گوید کتب اصول کتب ضلال است. لذا معمولاً اگر بخواهند مسأله ای را بگویند در غالب مقدمه فقه بیان می کنند. بعنوان مثال صاحب حدائق چهارده مطلب را در غالب چهارده فائده بیان می کنند که هیچ طلبه ای بی نیاز از آن نیست. ایشان در یکی از مقدمات حدائق جلد اول شبیه بحث مرحوم جزائری را مطرح می کنند. در ابتداء می فرماید: ما احکام شرعی که داریم، توقیفی است چه عبادات چه غیر عبادات و چون توقیفی است، احتیاج به سماع از معصوم دارد؛ لذا از طریق عقل نباید سراغ احکام رفت چون عقل به مناطات احکام دسترسی ندارد. عقل نمی تواند به عمق این برسد که چرا نماز یا روزه واجب شده است، چرا روزه اول شوال حرام شده است، چرا در نکاح ازدواج با خواهر همسر حرام شده است و... ممکن است یک چیزهایی فی الجمله بگویند، ولی در حد فرمول های تجربی نیست که بتوان به آن اعتماد کرد. در ادامه می فرماید: اگر مطالبی که عقل درک می کند، بدیهی باشد مثل الواحد نصف الاثنین در این جا درک عقل مورد قبول است، ولی اگر حکم عقل بدیهی نباشد، در این صورت اگر از سوی نقل تأیید شود- اعم از این که آن نقل حکم شرعی باشد یا غیر حکم شرعی- مورد قبول است و اگر با نقل معارض شود اولویت با نقل است.

مرحوم شیخ با عبارت لا ادری کلام صاحب حدائق را نقد می کند و می فرماید: لا ادری که اگر یک جا حکم عقل قطعی باشد معنا ندارد که نقل با او معارض باشد؛ چون وقتی به یک مطلبی یقین داریم، پس یقین داریم مقابلش دروغ و اشتباه است. نقد کلام مرحوم شیخ: اشکال کلام مرحوم شیخ این است که وقتی عبارت صاحب حدائق را نقل می کند، به کلام ایشان کلمه قطعی را اضافه می کند و بر همین اساس شروع به نقد می کند در حالی که صاحب حدائق این کلمه را ندارد. عبارت مرحوم شیخ بعنوان نقل از حدائق این است:

نعم، بقی الکلام بالنسبة إلی ما لا یتوقّف علی التوقیف، فنقول: إن کان الدلیل العقلي القطعی المتعلق بذلك بدیهياً ظاهر البداهة- مثل: الواحد نصف الاثنین- فلا ریب فی صحّة العمل به فرائد الأصول؛ ج 1؛ ص 55

البته صاحب حدائق در این قسمت از عبارت به عقل قطعی توجه دارد چون الواحد نصف الاثنین قطعی است لذا می فرماید بدیهیا ظاهر البداهة ولی این مقسم است و در ادامه می رساند به احکام شرعی که قطعی نیست. لذا ما نباید مقسم را قطعی فرض کنیم.

البته احتمال ضعیفی هم است که نسخه ای که نزد مرحوم شیخ از صاحب حدائق وجود داشته است کلمه ی قطعی را داشته است ولی نسخه نزد ما کلمه قطعی را ندارد؛ بر این اساس این عبارت لا ادری از مرحوم شیخ بالکل ساقط است؛ چون عبارت لا ادری بر مبنای وجود کلمه قطعی در کلام حدائق درست خواهد بود در حالی که حدائق کلمه قطعی ندارد. البته برخی گفته اند لا ادری جزء رسائل نیست و به رسائل اضافه شده است.

به نظر ما همین کلمه قطعی مرحوم خوئی را به اشتباه انداخته است و باعث شده است به مرحوم آخوند ایراد کنند. خلاصه کلام مرحوم استرآبادی و مرحوم جزائری و صاحب حدائق کلمه قطعی را ندارد، مضافاً به این که با مراجعه دقیق به کلام اخباری ها - برای تألیف فقه و عقل با دقت به سه کتاب الفوائد المدنیة استرآبادی و غایه المرام جزائری و حدائق مراجعه

کردم۔ در موارد متعدد تصریح می کنند که احکام شرعی چون توقیفی است و بسیاری از معارف اسلام چون نظری خارج از حس است، مجالی برای حضور عقل نیست.

حال اگر حرف اخباری ها این باشد درست نیست که بگوئیم اخباری ها تفصیل داده اند و لذا ایراد مرحوم خوئی به مرحوم آخوند که ظاهراً به کلمات اخباری ها مراجعه کرده اند وارد نیست.

بر این اساس کلام مرحوم شیخ و مرحوم خوئی و مرحوم نائینی مورد خدشه واقع می شود.

در واقع اخباری ها توصیه می کنند که از طرف عقل جلو نروید. اما اخباری ها نسبت به این مطلب که اگر از طریق عقل وارد شدیم و قاطع شدیم باید عمل کنیم یا نه، حداقل کلامشان ساکت می باشد.

**الحمد لله رب العالمین**